

## واکاوی وجوه اشتراک و روابط داعش و صهیونیسم

علی جدیدبناب<sup>۱</sup>

### چکیده

پیدایش جریان صهیونیسم و جریانهای مربوط به وهابیت از جمله داعش مربوط به دوره معاصر باز می‌گردد. پرسش اصلی پژوهش این است که وجوه اشتراک صهیونیسم و داعش چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت: صهیونیسم و جریان افراطی تکفیری داعش دارای وجوه اشتراک زیادی هستند که از جهات مختلف آنها را به هم نزدیک می‌کند، از جمله: کیفیت و ترکیب جمعیتی جمع‌آوری شده از اقصی نقاط جهان، برتری طلبی، نژادپرستی، دست پروردگی استعمار، نقش غرب در ایجاد این دو غده سرطانی، بخشی‌نگری به دین براساس منافع خویش، تطابق راهبردهای سیاسی صهیونیسم و داعشیسم، ثروت اندوزی، تعهد بر عدم مزاحمت و برخورد با یکدیگر و تعهد بر همکاری‌های متقابل، مبارزه و مقابله با مقاومت اسلامی در منطقه، مشترک بودن دوستان و حامیان آنها، وحشت آفرینی، تهدید و ارعاب، بهره‌مند شدن از کمک‌های امریکا و تکیه بر ابزار تبلیغاتی مبنی بر اینکه مبنای اعتقادی هردو جریان تروریستی «هدف وسیله را توجیه می‌کند». روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است.

کلید واژگان: داعش، وهابیت، صهیونیسم، سرزمین‌های اشغالی، امریکا



صهیونیسم، وهابیت و گروه‌های منحرف مورد حمایت وهابیون از جمله داعش، از جمله مسائلی است که ذهن پژوهشگر اسلامی را به چالش می‌کشد تا در این زمینه، به بررسی و پژوهش بیشتری اقدام نموده و بتواند برای سوالات مورد نظر خود پاسخی پیدا کند. از جمله این پرسش‌های اصلی این است که، ماهیت واقعی صهیونیسم و وهابیت و داعش چیست؟ وجوه اشتراک اینها چه می‌تواند باشد؟ و علل حمایت قاطع استکبار جهانی به ویژه آمریکا و صهیونیسم جهانی از این مثلث شوم چیست؟ چرا با وجود این همه ظلم و فساد از جانب اینان، باز مورد حمایت استکبار جهانی قرار می‌گیرند؟ در پاسخ اجمالی می‌توان گفت که یکی از وجوه مشترک آنها، دشمنی مشترک با تشیع است. در این پژوهش سعی بر تشریح و تبیین جریان افراطی تکفیری داعش است و ارتباط این جریان تکفیری با فرقه ضاله وهابیت و حمایت‌های صورت گرفته از جانب سران آن و نیز وجوه تشابه جریان تکفیری داعش با وهابیت و در نهایت با صهیونیسم جهانی مورد پژوهش قرار گرفته و ماهیت اصلی داعشیسم، وهابیت و صهیونیسم و ارتباط این مثلث شوم با هم و با استکبار جهانی با مستندات لازم مورد پژوهش و ارزیابی لازم قرار می‌گیرد.

از اهداف اساسی که صهیونیسم جهانی به دنبال آن است و به شدت پیگیری می‌کند خارج کردن اسلام از معادلات جهانی و سیاه‌نمایی آن است و در این راستا اقدامات زیادی جهت خشن جلوه دادن اسلام و مسلمانان انجام داده است که نمونه عینی آن را می‌توان در هالیوود یافت که به طور قطع در زیر سیطره صهیونیست‌هاست. صهیونیسم جهانی با تمام توان جهت نیل به این مهم تلاش می‌کند و جریان‌های تکفیری به ویژه داعش، آنان را در رسیدن به این هدف مهم یاری می‌کند و در حقیقت راه میانبری است که توسط عده‌ای مسلمان نما و با طرح و برنامه صهیونیستی، تیشه بر ریشه اسلام زده می‌شود.

توجه ویژه صهیونیسم جهانی به جریان‌های افراطی تکفیری به ویژه داعش برای این است که آنان بتوانند اتحاد و انسجام بین مسلمین جهان را تضعیف کنند و بستر را برای پیاده کردن اهداف شوم خویش بر علیه اسلام و امت اسلامی فراهم سازند؛ بنابراین بر اندیشمندان، علما و حاکمان اسلامی است که با درایت و تیزبینی لازم به هوش باشند که در

دام صهیونیسم قرار نگیرند و با تدبیر لازم جهت زدودن موانع اتحاد و همبستگی در جهان اسلام گامهای موثر بردارند. این تحقیق برای این منظور است که توجهات لازم بر این امر مهم را از طریق ارائه مستندات لازم ارائه نماید و بستر را برای فراهم سازی تعامل بین مسلمانان جهان فراهم سازد.

### پیشینه تحقیق

در رابطه با بررسی تطبیقی و مقایسه ای بین صهیونیسم و داعش، اثری به صورت مستقل نگاشته نشده است، اما در این زمینه تحقیقاتی صورت گرفته که به عنوان پیشینه می توان به آنها پراخت:

۱- مشابهت های فکری - عملی دو جریان سیاسی خوارج نهروان و القاعده عراق؛ در این مقاله، ضمن بیان شاخصه های هر دو جریان تکفیری که از جریان های افراط گرا در جهان اسلام می باشند، به این موضوع اشاره شده است که این دو جریان بر خلاف جمهور علمای دین، به توطئه علیه ممالک اسلام برخاسته، با برداشت و خوانشی بدوی از دین، خشونت بارترین رفتارها را به نام دین اعمال نموده اند؛ به طوری که عملکردشان، به شیوه های مختلف تعصب، افراط گرایی، تکفیر و ... تجلی عینی پیدا کرده است و با تفسیر واژگونه از دین، حق تفرقه، نفاق، اختلاف و کشتار را در بلاد اسلامی، امری طبیعی نشان داده اند. (هزواه ای و باورین، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷-۱۸۴) البته این اثر از دو جهت قابل توجه است: اولاً؛ یک مقایسه تطبیقی بین دو گروه افراطی انحرافی را انجام داده است. ثانیاً؛ یکی از این دو گروه در محوریت موضوع پژوهش مورد نظر قرار گرفته است.

۲- بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در این مقاله، به بررسی ایدئولوژی داعش پرداخته شده و بیان شده است که داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، عنوان گروهی از اسلام گرایان سنی مذهب (وهابی) تروریستی است که رهبر آن ابوبکر البغدادی، خود را به طور رسمی خلیفه مسلمین معرفی کرده بود و ادعای خلافت مذهبی بر همه مسلمانان را داشت. بررسی آثار نشانگر این است که این گروه از طرفی وهابی است و از طرف دیگر به شدت افراطی است. به یقین می توان گفت که داعش بازگرداندن وهابیت محافظه کار سعودی به همان مسیر تند و خشونت آمیز و



افراطی گذشته است؛ در حقیقت ایدئولوژی آنان وهابیت احیا شده است. (بخشی و دیگران، ۱۳۹۲، شماره ۶۴، ص ۱۳۳-۱۵۴)

۳- ارزیابی اندیشه‌ها و باورهای مذهبی گروه‌های افراطی و تروریستی در جهان اسلام  
نمونه موردی: داعش و جبهه النصره؛

در این پژوهش، به دو مورد از گروه‌های افراطی و تروریستی وابسته به جریان وهابیت و دیوبندی، داعش و النصره پرداخته شده است که با حمایت آمریکا و برخی از کشورهای عربی منطقه، مشکلاتی را برای مسلمانان عراق و سوریه به وجود آوردند و خون هزاران انسان به زمین ریخته شد. این دو گروه، شباهت‌های زیادی با هم دارند و پیامدهای ژئوپلیتیکی مخربی برای جهان اسلام به وجود آوردند. رشد و گسترش چنین جریان‌هایی در جهان اسلام، پیامدهای ژئوپلیتیکی همچون رشد و توسعه تروریسم و حمله‌های تروریستی، فرقه‌گرایی و نمایاندن چهره منقی از اسلام و به استضعاف کشیدن جهان اسلام بوده است. (وائق و آقایی، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۶۰) از جهتی این پژوهش می‌تواند در راستای تحقیق مورد نظر ما باشد، اما از جهتی نیز متفاوت است.

#### ۴- «علمکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام»؛

این اثر، عملکرد صهیونیسم را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی نسبت به جهان اسلامی مورد واکاوی قرار داده است و در بخشی از آن مقایسه‌های جمالی بین عملکرد صهیونیسم و نازیسم دارد که این مقایسه هم می‌تواند در بحث مورد نظر، مورد توجه قرار گرفته و در بررسی صورت گرفته بین صهیونیسم و وهابیت به ویژه داعش، مورد استفاده بهینه قرار گیرد.

منابع مذکور، نمونه‌ای از مقالات و کتبی است در رابطه با صهیونیسم و وهابیت و داعش نوشته شده است، اما نمی‌توانند به تنهایی جوابگوی پرسش‌های ما در این عرصه باشند؛ بنابراین واکاوی در موضوع مورد نظر ضرورت دارد.

### مفهوم شناسی

تکفیر: واژه تکفیر از کلمه عربی کفر مشتق شده است و به معنای نهبان کردن و پوشاندن است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۱۹۱؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۳؛ ابن منظور،

۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۴۴-۱۴۶) اطلاق کفر به فرد از این رو است که حقیقت را نهان می کند یا با کفر ورزی بر دل خود پوشش می نهد. (اخوان الصفا، بی تا، ج ۳، ص ۶۱-۶۳؛ الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۴-۱۴۶) کفر متضاد ایمان (العسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۱؛ المروزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۱۲ و ۵۱۷؛ شیخ مفید، ۱۳۸۴ش، ص ۴۸) و در اصطلاح، انکار مطالبی است که پیامبر ﷺ آورده است. (ایچی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۴۳۷) به بیان دیگر، انکار قطعیات و مسلمات دین است. (الغزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۹؛ الآمدی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۶-۲۸؛ دغیم، ۲۰۰۱م، ص ۶۱۷)

**تکفیری:** تکفیری یعنی مسلمانی که دیگر مسلمانان را متهم به ارتداد می کند. این اتهام تکفیر نامیده می شود. این واژه در ادبیات سیاسی روز در توصیف گروه‌هایی در حال رشد از مسلمانان تندرو و طلاب انشعابی سنی و متمایل به وهابیت است که از آنان با نام «سلفی - تکفیری» یاد می شود. سلفی - تکفیری‌ها ورای نگاه سنتی به فقه، حق تکفیر و صدور حکم ارتداد دیگر مسلمانان را برای خود محفوظ می دانند و بر اجرای مجازات‌های مربوط به آن مانند اعدام راساً اقدام می کنند.

**سلفیه:** سلفیه، در تاریخ فرهنگ اسلامی لقبی معروف برای کسانی است که عقایدشان را به احمد بن حنبل (۲۴۱ هـ) منسوب می کرده‌اند. (ابوزهره، ۱۳۸۴ش، ص ۳۱۱) روزگار احمد بن حنبل مصادف بود با شکل‌گیری عصر اول عباسیان (۱۳۲-۲۳۲ هـ)، پیدایش حرکت‌های دینی و سیاسی (ابراهیم حسن، ۱۳۸۵شمسی، ص ۴۹۸)، بالندگی برخی از علوم اسلامی (مکی، ۱۳۸۳شمسی؛ ص ۳۳۹-۳۶۰) و نهضت علمی ترجمه (م طغوش، ۱۳۸۳شمسی، ص ۱۵۷-۱۵۹)، اندیشه‌های سلفیه در قرن هفتم، با طرح مسائل کلامی بی‌سابقه از سوی ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ هـ) و شاگردش ابن قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱ هـ)، و در قرن دوازدهم از سوی محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۱-۱۲۰۶ هـ) احیا گردید. (علیخانی و دیگران، ۱۳۸۴شمسی؛ ج ۱، ص ۱۹-۲۰)

در قرن هفتم که دولت ممالیک بر سر کار آمد و قاهره را پایتخت خود قرار داد، (شباور، ۱۳۸۰شمسی؛ ص ۱۳-۱۶) تعالیم مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی مورد توجه بود و تصوف و طریقت‌های صوفیانه روی در گسترش داشت. (زیاده، ۱۳۵۱شمسی؛ ص ۸۸-۱۴۵)

۱. درباره زندگانی، احوال و آثار ابن تیمیه ر.ک. به: الشیبانی، ۱۴۰۹ق-۱۹۸۹م؛ الشرقاوی، الفقیه المعذب ابن تیمیه، ۱۹۹۵م و نیز برای آگاهی از زندگانی، احوال و آثار ابن قیم ر.ک. به: شرف‌الدین، ابن قیم الجوزیه: عصره و منهجه و آراوفی الفقه و العقائد والتصوف، ۱۳۸۷ق-۱۹۶۷م؛ جمال بن محمد السید، ابن قیم الجوزیه و جهوده فی خدمه السنه النبوه، ۱۴۲۴ق-۲۰۰۴م.

به‌علاوه، حملات مغولان و سقوط بغداد، سبب شده بود تا مرکز اندیشه اسلامی از آن پس به دمشق و قاهره منتقل شود. (همان، ص ۱۷۱) از میان بحث‌انگیزترین مباحث این دوره که ابن تیمیه به تردید و مجادله در آنها برخاست باید به تردید در اهمیت و احترام بیت‌المقدس نزد مسلمانان، شناخت خدا از طریق عرفان و تجربه شخصی و نیز به انتساب مغولان به اسلام و حرمت جهاد با آنان، اشاره کرد. (همان، ص ۱۸۰-۱۸۶) عقاید وهابیت که در قرن دوازدهم در خارج از قلمرو امپراتوری عثمانی و طی توافقی بین محمدبن سعود و محمدبن عبدالوهاب ظهور کرد، مطابق مذهب حنبلی و افکار ابن تیمیه بود. شناخت خداوند بدون تخطی از حدود قرآن و حدیث، رؤیت خداوند در بهشت و عدم اعتقاد به عصمت نبی از جمله اعتقادات محمدبن عبدالوهاب بود (لائوست، ۱۴۱۷ق-۱۹۹۷م؛ ص ۳۸-۴۰) تأثیر محمدبن عبدالوهاب در گسترش اندیشه‌های سلفیه به نحوی بود که پیروان وی به پیروی از ابن تیمیه، خود را سلفیه نامیدند. (ابوزهه، ۱۳۸۴ شمسی؛ ص ۳۱۱)

بدین ترتیب باید پیروان سلفیه، از احمدبن حنبل تا محمدبن عبدالوهاب را مربوط به دوران سلفیان قدیم دانست و تجزیه امپراتوری عثمانی را آغازی برای پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری سلفیان جدید. مهم‌ترین مبانی کلامی سلفیه را می‌توان در تبعیت از فهم و روش صحابه تابعان و محدثان قرن دوم و سوم، مخالفت با تأویل‌های کلامی - فلسفی در باب آیات قرآن و روایات، ایمان تام به ظواهر نصوص - هرچند معنای آنها فهمیده نشود - تقدیم نقل بر عقل و توسعه مفهوم شرک و کفر خلاصه کرد. مهم‌ترین جنبه اجتماعی این گروه نوعی جزم‌گرایی فرقه‌ای است، به نحوی که فقط پیروان خود را فرقه ناجیه<sup>۱</sup> و قوم برحق می‌دانند و دیگر گروه‌های مسلمان را باطل، گمراه و گاهی کافر و مشرک. سلفیان قدیم و جدید در بسیاری از مواضع نظری مشترک دارند، اما مهم‌ترین وجه تمایز سلفیان جدید کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه «تکفیر» است.

وهابیت: وهابیت شکل انحرافی حنبلی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است که توسط محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم قمری در شبه جزیره عربستان، در صحرای نجد، بنیان نهاده شد و کم‌کم با همکاری انگلیس، سرزمین حجاز را به سیطره خود درآورد. از

۱. ر.ک. به: مختصر لواعم الانوار البهیه و سواطع الاسرار الثریه، فی شرح الدرہ المضیئه فی عقیده الفرقة المرضیة؛ الابان عن شریعه الفرقة الناجیه و مجانبه الفرق المذمومه؛ اعلام السنه المنشوره لاعتقاد الطائفة الناجیه المنصوره؛ التبصیر فی الدین و تمیز الفرق الناجیه عن الفرق الهالکین.

ویژگیهای بارز این فرقه انحرافی، مخالفت شدید افراطی با تشیع بود. (مظفری، ۱۳۸۹، شماره ۳۷، ص ۸۴-۹۱)

داعش: به گروهی انحرافی از وهابیان سنی مذهب تروریستی اطلاق می‌شود که به رهبری ابوبکر البغدادی تاسیس شد و وی خود را خلیفه مسلمین جهان اعلام کرد. این گروه مناطقی از عراق و سوریه را تحت سیطره خویش درآورد، آغاز حکومتش در سوریه بوده و در ادامه، گستره حکومتش را به طرف کشور عراق توسعه داد. تاکید کردن بر احیای خلافت و توسعه آن به تمام جهان اسلام، استفاده از تکفیر در حد وسیع و اعلام جهاد علیه سایر مسلمین، از مشخصه بارز این گروه است. (بخشی و دیگران، ۱۳۹۲، شماره ۶۴، ص ۱)

«صهیون» کوهی نزدیک اورشلیم است. (انصاف‌پور، بی تا، ص ۶۷۳) طبق روایت کتاب مقدس، واژه صهیون، نام تپه‌ای واقع در جنوب شرقی اورشلیم است که در کتاب، دامنه‌اش بخشی از اورشلیم را نیز تشکیل داده است و قلعه‌ای داشته به نام «یبوسیان» که داوود آن را فتح کرده، در آنجا برای «تابوت عهد» قصری بنا می‌سازد. (فرهیخته، ۱۳۷۷ش، ص ۵۳۲)

«صهیونی» منسوب به صهیون، لقبی است که پیش از رژیم صهیونیستی؛ به کسانی می‌دادند که از تأسیس این رژیم جانبداری می‌کردند. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۱۳۳۲۳)

«صهیونیسم»، مرام و مسلک حزب بین‌المللی یهود، (انصاف‌پور، بی تا، ص ۶۷۳) و مسلک گروهی است که طرفدار سلطه و نفوذ یهودیان بر اقوام و ملل دیگرند؛ (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۱۳۳۲۴) نهضتی که از اواخر قرن نوزدهم به منظور ایجاد میهن یهودی در فلسطین پدید آمد؛ (مشیری، ۱۳۶۹ش، ص ۶۷۹) نهضتی مایه‌گرفته از آرمان مسیحایی طایفه بنی‌اسرائیل برای رسیدن به ارض موعود و تشکیل ملت و دولتی واحد است.

از سال ۱۳۷۰ میلادی که فلسطین و در نتیجه اورشلیم به دست رومیان ویران شد و یهودیان به اطراف و اکناف جهان مهاجرت کردند، بازگشت به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت واحد برای یهودیان به صورت آرمان درآمد تا این که برای نخستین بار در سال ۱۸۹۷ میلادی، تنودور هرتزل، مجارستانی آلمانی‌الاصل معتقد بود در هیچ نقطه دنیا، یهودیان به دلیل تعالیم و دستورات مذهبی‌شان، احساس همبستگی با مردم سرزمین‌هایی که بنا به دلایلی مجبور به زندگی با آنها نیستند، نمی‌کنند. تنها راه دوری از آزار دیدن، داشتن یک مملکت با مرزهای معین و مردم و دولتی از خودشان است.



این اندیشه که بنا به مقتضیات سیاسی - بین‌المللی آن زمان مورد توجه بود، در کنگره‌ای که تئودور هرتزل در همان سال در شهر بال سوئیس تشکیل داد، بحث و بررسی شد. میان شرکت‌کنندگان در کنگره، کسی تردیدی نداشت که صهیونیست‌ها باید وطنی از آن خود داشته باشند؛ ولی مسأله مورد اختلاف این بود که آیا باید مملکت یهودیان الزاماً در سرزمین‌های فلسطین باشد یا نقطه دیگری از جهان؛ به ویژه این که انگلستان، کشور اوگاندا را به آن‌ها پیشنهاد می‌کرد و بر این نکته پای می‌فشرد. (جدیدناب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۲)

سرانجام در کنگره ۱۹۰۵ میلادی، صهیونیست‌های جهان با قاطعیت، پیشنهاد انگلستان را رد کردند و رهبر نهضتشان حاییم وایزمن که بعد نخستین رئیس جمهورشان شد، امتیازاتی از امپراتوری عثمانی که در آن زمان فرمانروای فلسطین بود، به دست آورد. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۳ میلادی که سرزمین‌های فلسطین به قیمومیت انگلستان درآمد تا آغاز جنگ جهانی دوم، همچنان کشمکش‌های سیاسی روی مسأله فلسطین ادامه داشت و چون انگلستان حامی یهودیان آن زمان، به دلیل برتری آلمان هیتلری، خود رفته‌رفته ضعیف می‌شد، مرکز فعالیت‌های نهضت صهیونیستی به امریکای شمالی کشیده شد.

پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> طرحی را پیشنهاد کرد که به سبب آن، فلسطین به دو بخش تقسیم می‌شد: یک بخش در اختیار صهیونیست‌ها قرار می‌گرفت و

۱. سازمان ملل (UNITED NATIONS): سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵م (بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم) به منظور پیشبرد امر صلح جهانی و تفاهم بین‌المللی تأسیس شد. ریشه‌های سازمان ملل را می‌توان در کنفرانس "مونستر" و "اوسنابروک" که صلح "وستفالی" ثمره آن بود و کنگره وین که مشکلات اروپای بعد از ناپلئون را بررسی می‌کرد و "اتفاق اروپا" (۱۹۱۵-۱۹۱۴) که در آن، قدرت‌های بزرگ اروپایی، در یک دوره صد ساله انجمن کردند اختلافشان را "به اتفاق" حل و فصل کنند.

حکومت‌های ایالات متحده، بریتانیای کبیر، اتحاد شوروی و چین، سردمداران تأسیس سازمان ملل بودند که به جای جامعه ملل نشسته است. مقدمه منشور سازمان ملل - نهادهی که از خاکستر جنگ جهانی دوم برخاسته است، اراده "خلق‌های ملل متحد" را برای نجات نسل‌های بعدی از بلایه جنگ که دو بار در دوران زندگی مان مصایب ناگفتنی برای بنی نوع آدمی به بار آورده است، ابراز می‌دارد. سازمان به خصوص در پی آن است که "بردباری در روابط میان آدمیان، پاسداری از صلح و امنیت بین‌الملل و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی همه ملل" را اعتلا بخشد. مقرّر سازمان ملل که اکنون بیش از ۱۷۰ کشور عضو آن هستند، در نیویورک واقع شده است. زبان‌های رسمی آن عبارتند از: چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، اسپانیولی و عربی. یک دبیر کل در رأس سازمان قرار گرفته است و بیش از شش هزار نفر متخصص (که بی‌توجه به ملیتشان استخدام می‌شوند)، تحت فرمان وی فعالیت می‌کنند. سازمان ملل از نظر ساختار، بسیاری از ویژگی‌های جامعه ملل را حفظ کرده است. ساختار آن از جمله مشتمل است از مجمع عمومی (مجمعی برای بحث درباره صلح و امنیت جهانی)، شورای امنیت (ابزار اصلی استقرار حفظ صلح جهانی) و شورای اقتصادی و اجتماعی (یک دفتر تهاتری مرکزی و ارگان اداری که سیاست‌ها در عرصه‌هایی همچون بهداشت و حقوق بشر را هماهنگ می‌کند. (به نقل از: ام الیوت، جفری و رابرت رچینالد، ص ۱۶۸ و ۱۶۹).



بخش دیگر در اختیار اعراب ساکن منطقه می‌ماند. این طرح در نهضت صهیونیست‌ها دودستگی پدید آورد. دسته‌ای که مدعی همه فلسطین و اردن هاشمی بودند، و دسته دیگر که حاضر به پذیرفتن طرح سازمان ملل متحد شدند. به هر تقدیر، پس از سال ۱۹۴۸ میلادی، و اسکان یهودیان در بخشی از فلسطین، اعراب که حقوق خود را مورد تجاوز دیدند، به جنگ با اسرائیل پرداختند.

دور اول این جنگ به نفع کامل یهودیان پایان یافت، و اعراب را از سرزمین‌های خودشان راندند که مسأله آوارگان فلسطین بدین ترتیب شکل گرفت. از آن تاریخ، نبردهای متعددی به صورت‌های گوناگون بین اعراب فلسطین و اسرائیلیان پدید آمد که مهم‌ترین شان جنگ‌های سال‌های ۱۹۵۶-۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ بین این جمعیت‌ها است. (فرهیخته، ۱۳۷۷ش، ص ۵۳۲-۵۳۴) سرزمین‌های اشغالی: معادل با خدا (طبق آنچه در منابع یهود، مبنی بر کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا آمده)؛ نامی که به یعقوب و یهوه داده شده است. (انصاف پور، بی تا، ص ۴۸) اسرائیل در زبان عربی به معنای «عبدالله» است. "اسراء" یعنی "عبد" و "ئیل"، یعنی "الله". با این بیان، خداوند متعال یهود را مورد ملاحظت خود قرار می‌دهد؛ زیرا آنان را به پیامبر خود، اسرائیل، منسوب می‌کند تا به این وسیله، احساس کرامت را در آن‌ها برانگیزد، و وجه نام‌گذاری آن‌ها به یهود، به این علت است که تبار بخشی از آنان، سرانجام، به "یهود" فرزند چهارم حضرت یعقوب می‌رسد. (طبرسی، ۱۴۱۵قمری، ج ۶، ص ۴۳۱) اسرائیل، در اصطلاح به رژیم صهیونیستی گفته می‌شود که در سال ۱۹۴۷ میلادی، مردم فلسطین را از خانه و کاشانه خویش بیرون راندند و با حمایت قاطع کشورهای انگلیس و امریکا سرزمین فلسطین را تصاحب کردند و آن‌جا دولت تشکیل دادند. (جدیدبناب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵)

### وجوه تشابه صهیونیسم و داعش

با توجه به وضعیت مشابهی که هر دو از زمان پیدایش و ادامه حیات سیاسی خویش داشتند از جهات مختلف دارای اشتراکاتی هستند که به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

#### ۱- کیفیت جمعیت

اعضای این دو تشکل را غالباً، افراد اجاره‌ای متعلق به ملیت‌ها و قومیت‌ها و مناطق

گونگون از سراسر دنیا تشکیل می‌دهند و از همین رونمی‌توان برای هیچیک از این دو شکل، هویت مستقل ملی و قومی را فرض نمود. جامعه سرزمین‌های اشغالی متشکل از یهودیانی است که طی چند دهه و در رؤیای کار و مسکن و رفاه و یا با انگیزه مذهبی سکونت در سرزمین موعود، از اروپای شرقی، روسیه، اسیوی و مناطق دیگر؛ به مناطق اشغالی رهسپار شده‌اند. بن‌گوریون عقیده داشت که هدف از مهاجرت، نجات یهودیان از نابودی است. او همچنین دلایلی امنیتی را برای مهاجرت یهودیان ذکر می‌کرد: ما اراضی فلسطین را به تصرف درآورده‌ایم، اما بدون اسکان یهودیان آنها هیچ ارزش واقعی نخواهند داشت. اسکان فتح واقعی و نهایی است. (کونگلی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۳۸). وی که اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود در باب ضرورت مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین اشغالی می‌گوید: مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین به منزله خونی است که ادامه حیات سرزمین‌های اشغالی را بیمه می‌کند و ضامن امنیت و آینده سرزمین‌های اشغالی است. (افتخاری، ۱۳۸۱ش، ص ۴۴) نتایج نظر سنجی مرکز میدغام<sup>۱</sup> حکایت از آن دارد که بیش از ۶۰ درصد یهودیان ساکن در فلسطین اشغالی به مهاجرت از این سرزمین تمایل دارند و اغلب داوطلبان مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی بیشتر از قشر جوان و ۲۳ تا ۳۹ ساله هستند. این جوانان براین باورند که به این سرزمین تعلق ندارند و با مشکلات هویتی و بحران هویت مواجه هستند. تقریباً یک و نیم میلیون نفر از آنها تصمیم جدی برای ترک سرزمین‌های اشغالی دارند.<sup>۲</sup>

اعضای گروه‌های تروریستی - وهابی نیز هر کدام از یک کشور و به ویژه از کشورهای عربی خاورمیانه و از کشورهای حوزه قفقاز و نیز آسیای جنوب شرقی و البته تعدادی نیز از اروپا و امریکا، به این شکل‌ها وارد شده‌اند. در کنار انگیزه‌های انحرافی که با رنگ و لعاب مذهب اندود شده است، تأثیر دلارهای آلوده به نفت نیز در این گرد هم آمدن‌ها، بسیار مؤثر بوده است. (حاتمی، ۱۳۹۶ش، شماره ۴، ص ۶۵-۸۱)

۱. مرکز مطالعات و افکارسنجی میدغام، مرکزی وابسته به اداره آموزش‌های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی است.

۲. این نظر سنجی برای ارائه در همایش «مهاجرت به سرزمین‌های اشغالی به عنوان انگیزه‌ای برای تغییر» در کنست رژیم صهیونیستی، انجام شد. نتیجه این نظر سنجی در گزارشی در روزنامه انگلیسی زبان الحیاه در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۴ منتشر شده است.

## ۲- برتری طلبی و ادعای برگزیدگی

سرزمین‌های اشغالی غاصب صهیونیسم، بر اساس آموزه‌های یهود برگرفته از تلمود، خود را ملت برگزیده می‌دانند و بر این باورند که «ما یهودیان برگزیده خداییم» (هرتزل، ۱۳۸۹، ص ۴۰) تئودور هرتزل به عنوان پایه‌گذار اندیشه صهیونیسم، اساس و بنای اندیشه‌های خود را قومیت و ملی‌گرایی افراطی قرار داد. وی که به دنبال جذب یهودیان بود، بهترین یاران خود را در جمع یهود ستیزان یافت، زیرا که این یاران استراتژیک قادر بودند با فشارهای زیاد بر بدنه یهودیت، آن را به تفکر هرتزل میل دهند. به همین دلیل با صراحت بیان می‌داشت: «یهود ستیزها، مطمئن‌ترین یاران ما و کشورهای آنان متحدین ما خواهند شد». (گارودی، ۱۳۷۷، ص ۹۶) بی‌تردید ریشه اصلی این نگرش، به نژادپرستی بر می‌گردد. بنیانگذاران صهیونیسم با تحریف واژه‌های کلیدی در یهودیت مانند «قوم برگزیده»، قومیت افراطی را به غلط از آن نتیجه گرفتند و با پیوند نژادپرستی با برخی آموزه‌های تند توراتی، صهیونیسم را نمادی از بازگشت روزگاران شکوه و حکمرانی بنی سرزمین‌های اشغالی تبلیغ نموده، روش‌های سرکوبگرانه خود را در پناه همین ایدئولوژی توجیه کردند. البته این نگرش سیاسی، همان چیزی را رسیدن به هرگونه توافقی را با صاحبان این نگاه خصمانه می‌بندد. نگرش که جز قساوت و پایمال کردن حق دیگران، رسالتی برای خویش قائل نیست و سربازان آن مفهومی برای عذاب و جان نمی‌شناسند. (اقلیدی نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴)

مشابه این ادعا را در داعش نیز می‌توان دید که خود را گروهی برگزیده و ناجی مسلمانان قلمداد می‌کنند. داعش‌یسم و صهیونیسم معتقدند که تنها یک فرقه برتر وجود دارد که آن‌ها هستند. صهیونیست‌ها غیر یهودیان را حیواناتی می‌دانند که تنها برای خدمت به یهودیان آفریده شده‌اند (حسینی شیرازی، ۱۳۸۳ شمسی، ص ۹۴-۱۰۷) و تروریست‌های داعش نیز اعتقاد دارند که هر نوع رفتاری با کسانی که سیره عملی آنها را قبول ندارند، جایز است. آن‌ها غیر خود را کافر، مشرک و مخلد در آتش دوزخ می‌دانند و بر همین اساس، پس از تصرف هر شهر و روستایی که ساکنان آن دین و مذهبی جز فرقه تکفیری‌ها داشته باشند، خون‌شان هدر، منازل‌شان مباح و نوامیس‌شان حلال است! (علی خانیان، ۱۳۹۶ ش، شماره ۴، ص ۱۴۳)

برتری نژادی صهیونیست‌ها نسبت به سایر ملل جهان در اعتقاد آنان، یکی از عوامل



انزوای آنان از سایر ملل شده است. در تورات<sup>۱</sup> و تلمود تأکیدات زیادی نسبت به ممتاز بودن قوم یهود و برتری آنها بر اقوام دیگر صورت گرفته است. چنانکه در سفر لاویان آمده است که «من خداوند خدای شما هستم که شما را از قومهای دیگر جدا کرده‌ام». (تورات، سفر لاویان، فصل ۲۰، جمله ۲۴)

هر دو این گروه‌ها گرایش‌های عمیق نژادپرستانه دارند و نسبت به غیر از خود کینه شدیدی دارند. در مکتب صهیونیسم عناصر دیگر نجس، برده، زنازاده و برده صهیونیسم خوانده می‌شوند که بعد از مرگ نیز در دوزخ هستند؛ آنها کشتن غیریهودی را تشویق می‌کنند و می‌گویند که باید مرتدها و خیانتکاران را در چاه انداخت و آنها را نجات نداد. (حسینی شیرازی و صادق داوری، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۴-۱۰۱) همین رویکرد در داعش نیز وجود دارد و آنها تمامی مخالفان خود از سایر گرایش‌های اسلامی و غیر اسلامی را مجوس و مرتد و بت پرست و بدعت گزار می‌دانند و کشتن آنها و به اسارت گرفتن زنانشان را مباح می‌شمارند.

### ۳- استفاده ابزاری از دین

جنبش صهیونیسم یک حرکت سیاسی بود که با دروغ و فریب خود را با لباس دین پوشاند و شعارهای دین را تحت دستورالعمل خاص سیاسی خود قرار داد. راهبرد صهیونیسم مبتنی بر تسلط بر یک منطقه و تلاش برای ایده پردازی سرزمین موعود و گسترش دامنه غده سرطانی و تامین شهوت سیری ناپذیر قدرت در نزد حامیان خود بود، از این رو بلافاصله بعد از استقرار اولیه در فلسطین اشغالی دست اندازی به همسایگان را آغاز کرد. (محسنی فرد، ۱۳۸۶ ش، ۴۸، ص ۴)

تکفیری‌های داعش نیز مانند تعامل صهیونیست‌ها با یهودیت، بخش‌هایی از دین را که در راستای منافع سیاسی و توسعه طلبانه آنها بود، جدا کردند و تمام موازین دیگر آن را رد کردند. آنها غیر از این مبانی را کفر و قائلان به آن را کافر می‌دانند، حتی اگر در کلام خداوند باشد. (علی خانیان، زمستان ۱۳۹۶ ش، شماره ۴، ص ۱۳۹)

مبنای اعتقادی هر دو جریان تروریستی این اصل است که "هدف وسیله را توجیه

۱. تلمود به کتابی بسیار بزرگ که احادیث و احکام یهود را در بر دارد اطلاق می‌شود. در تلمود دستورات دینی برای زندگی و داستانها و شواهدی از پیشوایان یهود یا بزرگان اقوام مختلف آمده است. مسیحیت به علت بدگویی این کتاب از حضرت مسیح (علیه السلام) همواره با آن مخالف بوده اند.

می‌کند". (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳) صهیونیست‌ها، دین را هم وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دنیوی خویش می‌دانند، چنانچه در پروتکل ۴ رهبران یهود آمده است: «اگر آزادی بر خداپرستی مبتنی باشد، با انسان دوستی و برابری پیوندی داشته و برای جامعه بی‌زیان باشد، به رفاه عمومی لطمه‌ای وارد نسازد و در اقتصاد هم جایی برای خود پیدا کند، بر ما لازم است که هم احترام به آزادی و هم اعتقاد به خدا را در میان مردم غیر یهودی از بین ببریم و نیازهای مادی را جایگزین این گونه اعتقادات سازیم؛ اما اگر اعتقاد به خدا موجب شود که ما بر مردم حکومت کنیم، در این صورت باید به تبلیغ دین بپردازیم و با راهنمایی مردان روحانی، مردم را به تسلیم واداریم». (هرتزل، ۱۳۸۹ش، ص ۴۲) این قانون طلایی راه را برای انجام هر جنایتی علیه بشریت باز می‌کند و آن را در خدمت دو رویکرد ترغیب و تهدید برای جذب مخاطب و مقابله با اعتراضات مقابل خود در می‌آورد. فتاوی ساختگی داعش در زمینه جهاد نکاح و زشت‌ترین جنایات علیه شیعیان به جرم شیعه بودن نمونه‌های زنده‌ای از این اصل است. (علی‌خانین، زمستان ۱۳۹۶ش، شماره ۴، ص ۱۳۹)

#### ۴- مبارزه و مقابله با مقاومت اسلامی در منطقه

بررسی حرکت‌های ددمنشانه سرزمین‌های اشغالی در برخورد با مردم مظلوم فلسطین و محور مقاومت، گویای این مدعاست. به عنوان نمونه، حوادث سال ۱۹۷۱م، با ویرانی دو هزار خانه، آوارگی ۱۲ هزار فلسطینی و کشتار یکصد و دو نفر مبارز فلسطینی در نوار عزه در سال ۱۹۷۶م، با حادثه تل زعتر که به اعتراف شیمون پرز به شهادت دوهزار نفر انجامید، ادامه پیدا کرده و با تجاوز به لبنان در سال ۱۹۸۲م و قتل عام دو اردوگاه صبرا و شتیلا به مرحله‌ای غیر قابل تحمل رسید. در این زمان بار دیگر دهکده جهانی به آزمونی دیگر فراخوانده شده بود. اجساد مثله شده مردان و تن‌های تکیده و عریان دختران و زنان حکایینی ناگفتنی را تداعی می‌کرد و انکار سرزمین‌های اشغالی‌ها در مورد دست داشتن در این واقعه شوم بدگمانی‌ها را دامن می‌زد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعداد قربانیان را در ابتدا هزار و پانصد نفر و در روزهای بعد دوهزار و چهارصد نفر اعلام کرد. این آمار در حالی داده می‌شد که چند روز بعد ۳۵۰ جنازه دیگر پیدا شد. (محسنی فرد، ۱۳۸۶ش، ش ۴۸، ص ۴)

از سوی دیگر، اقدامات گروه‌های وهابی در سوریه و عراق در جهت مبارزه با محور



مقاومت (ایران، عراق، سوریه و حزب الله لبنان) و چشم پوشی آن‌ها از کمترین اعتراض و مخالفت با حکومت‌های وابسته به امریکا و دوستان سرزمین‌های اشغالی در منطقه، به خوبی اثبات می‌نماید که در این حوزه نیز میان این دو گروه توافق و تشابه وجود دارد.

### ۵- ارباب، جنایت و قتل و کشتار بی گناهان

آنچه که در شش دهه موجودیت سیاسی صهیونیست‌های اشغالگر قدس شریف و وهابیون اشغالگر حرمین شریفین و جزیره العرب در تاریخ ثبت شده است و به ویژه جنایات چند سال اخیر تروریست‌های وهابی در سوریه و عراق و جنایات صهیونیست‌ها در غزه مظلوم و لبنان، به خوبی مشخص می‌نماید که جنایت و کشتار هدفمند و سازمان یافته و قتل عام فجیع کودکان و زن و مرد و پیر و جوان، شیوه راهبردی مشترک میان هر دو گروه تروریستی است. هم صهیونیست‌ها و هم وهابیون تکفیری، به خوبی ثابت کرده‌اند که نه تنها با کوچک‌ترین اصول اخلاقی و انسانی، آشنایی ندارند بلکه اخلاق و انسانیت را در تضاد با موجودیت خود می‌دانند و از همین روست که به کرات مشاهده می‌شود که آن‌ها در جنگ‌های خود نه تنها میان نظامیان و غیر نظامیان و مناطق مسکونی و پادگان‌ها، تفاوت و تفکیک قائل نیستند بلکه در کشتار هرچه بیشتر غیر نظامیان، تعمد دارند. (اقلیدی نژاد، آذر ۱۳۸۱، شماره ۳۵، ص ۸۳-۱۰۷)

گروه افراطی داعش علاوه بر اینکه اعتقادی به احکام الهی و باورهای اصیل اسلام ندارند، از نظر روان‌شناسی سیاسی نوعی نفاق و دورویی را در پیش گرفته است. از سوی دیگر، داعش اساساً متکی به ایجاد وحشت است. تصاویر سر بریدن، آتش زدن و ترور تنها بخشی از پیامی است که داعش پیوسته به دنبال ارسال آن است. این تندروهای ملحق شده به داعش که احیاناً از سازمان‌های جهادی دیگر جدا شده‌اند، افرادی‌اند که ابوبکر البغدادی با این بعد روانی از آنها سوءاستفاده می‌کند. در حالیکه سازمان‌های دیگر قوانین و محدودیت‌های خاصی نسبت به تمایل جنگجویان خود به سوی تکفیر و بی بند و باری و فساد علیه مخالفین خود دارند، مانندکاری که جبهه النصره در مواضع مختلف انجام داد. بغدادی، آزادی کاملی را برای انجام هرگونه عمل زشت، انفجار و خشونت نهفته در افراد این سازمان قائل است. در واقع، در بین جنگجویان افرادی هستند که اساساً به دنبال اقدامات نادرست هستند. (فاسمی، ۱۳۹۴ش، شماره ۴۳، ص ۱۶۶)

در سوی دیگر، در هفت دهه‌ای از تاسیس رژیم صهیونیستی می‌گذرد، این رژیم در جنگ‌های متعددی علیه کشورهای عربی و گروه‌های مبارز فلسطینی شرکت کرده و همواره با زور، ارعاب و تهدید به دنبال تضمین بقای خود بوده است. صهیونیست‌ها همواره برآوردهای استراتژیک خود، وقوع تهدید از نوع جنگ علیه خود را امری قریب الوقوع تلقی می‌کنند و به همین دلیل، ماهیت این رژیم به یک «دولت پادگانی» با تفکر «گتویی»<sup>۱</sup> تبدیل شده است. (زارعان و آذری، پاییز ۱۳۹۴ش، شماره ۳۰، ص ۶۸) سیاست ارعاب و سرکوب مخالفان از جمله فلسطینی‌های بی‌پناه که تنها خواسته شان زندگی آزاد در زادگاه و موطن اصلی شان بود، لکه‌های ننگ بزرگی از جمله فجایع صبرا و شتیلا بر جبین صهیونیست‌ها ایجاد کرد.

#### ۶- مشترک بودن دوستان و حامیان

بزرگترین دوست و حامی مشترک این دو، دولت استکباری آمریکاست. رژیم اشغالگر قدس هم اینک بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های تسلیحاتی و مالی از ایالات متحده است. حجم این کمک‌ها در هر سال نزدیک به ۵ میلیارد دلار است که البته باید به این مبلغ منافع ناشی از روابط تجاری و اقتصادی را نیز افزود. (النادی، ۱۳۵۴ش، ص ۲۳۰) از سوی دیگر، کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم مالی و سیاسی و تبلیغاتی و نظامی امریکا به تروریست‌های وهابی، موضوعی است که بخش ناچیزی از آن، همه روزه در اخبار و گزارش‌های خبری مورد اشاره قرار می‌گیرد. امریکا حتی کمک‌های خود به کشتار مردم سوریه را در فالبی به ظاهر قانونی و با تصویب کنگره انجام می‌دهد و برای پنهان ساختن نقش خود در فجایع انسانی که در سوریه رخ می‌دهد به بیان این دروغ بسنده می‌کند که ما به مخالفان «میانه رو» کمک می‌کنیم. مخالفان میانه رو، فقط یک اصطلاح برخاسته از مکر و حيله است و در واقع تفاوت و مرزی میان تروریست تند رو با تروریست میانه رو وجود ندارد. تروریست و آدمکش و جنایتکار، با هر اسم و عنوانی که از آن یاد شود، تغییری در ماهیت سیاه آن پیدا نمی‌شود و او همچنان تروریست و آدمکش و جنایتکار است. (عبدالملکی، ۱۳۹۴ش، شماره ۱۹۹، ص ۷۴)

اسناد حمایت امریکا از داعش را در کتاب خاطرات «هیلاری کلینتون» وزیر امور

۱. از نظر تاریخی، «گتو» به محله‌هایی در اروپا گفته می‌شود که اقلیت یهودی در آن ساکن بودند.

خارجه اسبق آمریکا، چنین بیان شده است: «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم.» همچنین در جای دیگری می‌نویسد: «قرار بود ما در روز پنجم ژوئیه سال ۲۰۱۳ (چهاردهم تیر ماه ۱۳۹۲ش) در نشستی با دوستان اروپایی خود «دولت اسلامی» را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را در به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله، پس از تشکیل آن توضیح دهم؛ اما به یک باره همه چیز در برابر چشمان ما فرو ریخت.» (عبدالملکی، ۱۳۹۴ش، شماره ۱۹۹، ص ۷۵) علاوه بر آمریکا دولت‌های متعدد دیگری نیز حامی این دو فرقه جنایتکار به شمار می‌روند. اخبار مربوط به تعهد امارات برای تأمین هزینه‌های مترتب بر جدیدترین کشتار مردم غزه، روابط حاکمان قطر با مقامات مختلف رژیم صهیونیستی و همزمان حمایت‌های مالی و نظامی و تبلیغاتی قطر از تروریست‌های فعال در سوریه و عراق، نقش آل سعود در ترویج افکار متحجرانه و هابی و هزینه‌های سرسام‌آور آن‌ها برای آموزش تروریست‌های انتحاری و نقش دستگاه اطلاعاتی آل سعود برای آموزش و سازماندهی و هدایت عملیات تروریست‌ها در مناطق مختلف جهان از روسیه تا سوریه و عراق و در کنار آن روابط آشکار و پنهان آل سعود با صهیونیست‌ها از نمونه‌ها و مصادیق عینی برای اثبات این مدعاست. به گفته دبیرکل حزب الله لبنان: «داعش ماری است که در آمریکا زاده شد و ترکها و کشورهای خلیج فارس بزرگش کردند و حالا می‌ترسند که خودشان را نیش بزنند.» (عبدالملکی، ۱۳۹۴ش، شماره ۱۹۹، ص ۷۴)

### ۷- تکیه بر ابزار تبلیغاتی

تکیه بر ابزار تبلیغاتی همانطور که یکی از مهم‌ترین بندهای پروتکل‌های ۲۴ گانه صهیون است که حدود ۲۰۰ سال قبل از سوی بنیانگذاران یهودیت افراطی و صهیونیست به تصویب رسید. (ر.ک. به: هرتزل، ۱۳۸۹ش) امروزه بزرگترین رسانه‌های دنیا در اختیار صهیونیست‌ها یا تحت نفوذ آنها قرار دارد. در سوی دیگر، این ابزار به عنوان حربه‌ای اصلی در دست تروریست‌های داعش قرار دارد. در همین راستا بخش قابل توجهی از اموالی که قرار است در خدمت کشتار ملت‌های منطقه از سوی داعش هزینه شود، برای ایجاد سایت‌های اینترنتی و تبلیغات در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای جهت جذب جوانان فریب‌خورده هزینه می‌شود. گروهک تکفیری-بعثی داعش بیشترین اهمیت را به



فعالیت‌های تبلیغاتی می‌دهد، تا جایی که شرکت در کمیته تبلیغات الکترونیک را از مهم‌ترین جبهه‌های کاری معرفی می‌کند و کمک به این بخش را بر هر کدام از تروریست‌ها واجب می‌داند. عناصر ناظر بر فعالیت‌های داعش نیز عمدتاً از سلفی‌های سعودی هستند، چرا که زبان و قلم فصیحی دارند و ادبیات خطابه و استدلال و بهانه تراشی شرعی در راستای حمایت از ابوبکر البغدادی را به خوبی بلدند. (مصطفوی کهنگی و محمدی سیجانی، خرداد و تیر ۱۳۹۷، ص ۷۳-۸۳)



### نتیجه

بر اساس آنچه در این نوشتار گفته شد، صهیونیسم و داعش، دارای اشتراکات فراوانی هستند؛ هیچ کدام، هویت مستقلی ندارند و اغلب افرادشان جمع آوری شده از نقاط مختلف جهان با وعده‌های خاص بوده است؛ دارای ترکیب جمعیتی یکسان نبوده‌اند، چنانکه ساکنین سرزمین‌های اشغالی از نقاط مختلف جهان در سرزمین‌های اشغالی جمع شده‌اند، افراد داعش نیز به همین منوال بوده است. هر دو تعهد بر عدم مزاحمت و برخورد با یکدیگر و تعهد بر همکاری‌های متقابل دارند. هر دو برای مبارزه و مقابله با مقاومت اسلامی در منطقه نسبت به اربابان خویش متعهدند. داعش اساساً متکی به ایجاد وحشت است. سر بریدن، آتش زدن و ترور تنها بخشی از اعمال ددمنشانه داعش بوده است، چنانکه سرزمین‌های اشغالیان صهیونیسم نیز همین رفتار را نسبت به مردم مظلوم فلسطین داشته و دارند. دولت آمریکا در ایجاد هر دو جریان داعش و صهیونیسم نقش اساسی ایفا کرده است. مبنای اعتقادی هر دو جریان این است که: «هدف وسیله را توجیه می‌کند». صهیونیسم و داعش دارای دوستان و حامیان مشترکی همچون آمریکا و انگلیس هستند، که در طول حیات صهیونیسم و وهابیت، کاملاً مورد تایید استکبار بوده و مورد حمایت آنان قرار گرفته‌اند. از مشخصه‌های بارز و مشترک بین صهیونیسم و داعش، نژادپرستی، برتری طلبی، ثروت‌اندوزی، دروغ و فریب، ارباب، تهدید، وحشت‌آفرینی، قتل و کشتار بوده است.

## منابع

۱. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، معجم مقاييس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، بی جا: دارالفکر، ۱۳۹۹ قمری.
۲. ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ قمری.
۳. ابوزهره، محمد، تاريخ مذاهب اسلامي، مترجم عليرضا ايماني، قم: مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب ۱۳۸۴ ش.
۴. اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، بيروت: الدار الاسلاميه، بی تا.
۵. افتخاری، اصغر، جامعه شناسی سیاسی سرزمین های اشغالی، تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۱ شمسی.
۶. اقلیدی نژاد، علی، صهیونیسم سیاسی و بنیان های افراطی، مبلغان، شماره ۳۸، اسفهد ۱۳۸۱، ص ۱۰۸-۱۱۶.
۷. ام اليوت، جفري و رابرت رجينالد، فرهنگ اصطلاحات سياسي، استراتژيك، ترجمه ميرحسن رئيس زاده لنگرودي، چ ۱، تهران: انتشارات معين، ۱۳۷۳ ش.
۸. انصاف پور، غلامرضا، كامل فرهنگ فارسي، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوار، بی تا.
۹. ایچی، قاضي و مير سيد شريف الدين، شرح المواقف في علم الكلام، الطبعة الاولى، مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ قمری.
۱۰. الآمدی، سيف الدين، ابيكار الافكار في اصول الدين، قاهره: دارالكتب، ۱۴۲۳ قمری.
۱۱. بخشی شيخ احمد و ديگران، برسي ايدئولوژی گروه تكفيري - وهابي دولت اسلامي عراق و شام (داعش)، فصنامه علمي پژوهشي علوم سياسي، دانشگاه باقرالعلوم ع، زمستان ۱۳۹۲ شمسی، شماره ۶۴، ص ۱۳۳-۱۵۴.
۱۲. جدیدبناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ شمسی.
۱۳. جمال بن محمد، السيد، ابن قيم الجوزيه و جهوده في خدمه السنه النبوه، مدينه: جامعه الاسلاميه، ۱۴۲۴ ق- ۲۰۰۴ م.
۱۴. حاتمی، محمدرضا، تاثیر داعش بر ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم دینی خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۴، ص ۶۵-۸۱.
۱۵. حسن ابراهيم حسن، تاريخ سياسي اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران: بدرقه جاويدان، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. حسینی شیرازی، سيد محمد و صادق داوري، پايان اسلام نتيجه صلح با يهود، قم: انتشارات سلسله، ۱۳۸۳ شمسی.



۱۷. دغیم، سمیع، موسوعه مصطلحات الامام الفخر الرازی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۱م.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷شمسی.
۱۹. الراغب الاصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد المعروف ب، المفردات فی غریب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودی، الطبعة الاولى، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲قمری.
۲۰. زارغان، احمد و علی آذری، تاثیر عملکرد گروههای سلفی بر محیط امنیتی رژیم صهیونیستی (با تاکید بر داعش و القاعده)، فصلنامه مطالعات فلسطین، پاییز ۱۳۹۴شمسی، شماره ۳۰، ص ۴۵-۷۴.
۲۱. زیاده، نیکلا، دمشق در عصر ممالیک، ترجمه جلال‌الدین اعلم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱شمسی.
۲۲. شباور، عصام محمد، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰شمسی.
۲۳. شرف‌الدین، عبدالعظیم عبدالسلام، ابن قیم الجوزیه: عصره و منهجه و آراوه فی الفقه و العقائد والتصوف، قاهره: مکتبه کلیات الازهریه، ۱۳۸۷ق- ۱۹۶۷م؛
۲۴. الشرفاوی، عبدالرحمن، الفقیه المعذب ابن تیمیه، قاهره: داراخبار الیوم، ۱۹۹۵م.
۲۵. شمس‌الدین، فرهیخته، فرهنگ فرهیخته، چ ۱، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. الشیبانی، محمدبن ابراهیم، اوراق مجموعه من حیاہ شیخ الاسلام ابن تیمیه، کویت: مکتبه ابن تیمیه ۱۴۰۹ق- ۱۹۸۹ م؛
۲۷. شیخ مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ترجمه: طاهره عظیم زاده تهرانی و صدیقه اشرف، تهران: موسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۴شمسی.
۲۸. الطبرسی، امین‌الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، چ ۱، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲۹. طقوش، محمدسهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳شمسی.
۳۰. عبدالملکی، پیام، حامیان داعش، فصلنامه مبلغان، بهمن و اسفند ۱۳۹۴، شماره ۱۹۹، ص ۷۳-۸۰.
۳۱. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، قاهره: بی نا، ۱۹۹۹م.

۳۲. العسکری، ابوهلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران، معجم الفروق اللغویه، الطبعة الاولى، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بـ «قم»، ۱۴۱۲ قمری.
۳۳. علی خانیان، علیرضا، سوء استفاده داعش از منابع اهل سنت، مطالعات علوم سیاسی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴، ص ۱۳۶-۱۴۷.
۳۴. علیخانی، علی اکبر و دیگران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۴ شمسی؛ ج ۱.
۳۵. علیدوست، ابولقاسم، فقه و عرف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ شمسی.
۳۶. غزالی، محمد بن محمد، مجموعه رسائل الامام الغزالی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ قمری.
۳۷. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، محقق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۵ قمری.
۳۸. قاسمی، بهزاد، تبیین روانی - اجتماعی عملکرد داعش، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش، شماره ۴۳، ص ۱۶۰-۱۸۵.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ قمری.
۴۰. کوئیگی، جان، فلسطین و سرزمین های اشغالی: رویارویی با عدالت، ترجمه سهیلا ناصری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲ شمسی.
۴۱. گارودی، روژه، پرونده سرزمین های اشغالی و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسیرین حکمی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ شمسی.
۴۲. لائوست، هنری، شرایع الاسلام فی منهج ابن تیمیه، ترجمه و تعلیق و اعداد، محمد عبدالعظیم علی، الاسکندریه: دارالدعوه ۱۴۱۷ ق- ۱۹۹۷ م.
۴۳. محسنی فرد، فرزانه، امتداد خط خون در حافظه تاریخ، دو هفته نامه پگاه حوزه، ش ۴۸، ۲۴ مرداد ۱۳۸۶ شمسی.
۴۴. المروزی، أبو عبد الله محمد بن نصر بن الحجاج، تعظیم قدر الصلوه، المحقق: د. عبد الرحمن عبد الجبار الفریوانی، الطبعة الاولى، المدینه المنوره: مکتبه الدار، ۱۴۰۶ قمری.
۴۵. مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، تهران: سروش، ۱۳۶۹ شمسی.
۴۶. مصطفوی کهنگی و محمدی سیجانی، داعش و فضای مجازی، فصلنامه مدیریت رسانه، شماره ۴۲، خرداد و تیر ۱۳۹۷، ص ۷۳-۸۳.
۴۷. مظفری، آیت، همسویی وهابیت با صهیونیسم در مقابله با انقلاب اسلامی، فصلنامه مریبان، پاییز ۱۳۸۹ شمسی، شماره ۳۷، ص ۸۴-۹۱.



۴۸. مکی، محمدکاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳ شمسی.
۴۹. النادی، بهجت، و عادل رفعت؛ اعراب امروز، ترجمه رضا قازیاری، تهران: مروارید، ۱۳۵۴، ص ۲۳۰.
۵۰. واثق و آقایی، ارزیابی اندیشه‌ها و باورهای مذهبی گروه‌های افراطی و تروریستی در جهان اسلام نمونه موردی: داعش و جبهه النصره، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، پاییز ۱۳۹۴ شمسی، دوره اول، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۶۰.
۵۱. هرترزل، تودور، پروتکل‌های رهبران یهود برای تسخیر جهان، ترجمه بهرام محسن پور، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۹ شمسی.
۵۲. هزاوه ای و باوربان، مشابهت‌های فکری - عملی دو جریان سیاسی خوارج نهروان و القاعده عراق، فصلنامه مطالعاتی جهان اسلام (علمی پژوهشی)، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۷-۱۸۴.